

بنام خداوند بخشنده مهربان



# شاه فردوسنامه



بر اساس نسخه مکتوب

تحت نظر: یوگنی ادواردویچ برتس



سرشناسه	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۴۱۶ ق.
عنوان و پدیدآور	: شاهنامه فردوسی بر اساس نسخه مسکو / تحت نظر یوگنی ادواردویچ برتلس.
مشخصات نشر	: تهران: پیام عدالت، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۱۵۹۲ ص.
شابک	: 978-964-152-056-6
موضوع فهرست‌نویسی	: فیبا.
یادداشت	: (چاپ دیگر: پیام عدالت، ۱۳۸۷) ۱۰۷۲ ص.
عنوان قراردادی	: شاهنامه.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۴ ق.
شناسه افزوده	: برتلس، یوگنی ادواردویچ، ۱۹۵۷ - ۱۸۹۰ م، مصحح.
رده‌بندی کنگره	: PIR ف ۱۳۸۷ ۳۳۹۰
رده‌بندی دیویی	: ۸۵۱/۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۵۹۰۴۸۳



## شاه فردوسی

حکیم ابوالقاسم فردوسی  
بر اساس نسخه مسکو

ناشر: انتشارات پیام عدالت

نوبت چاپ: اول - بهار ۸۸

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

اجرا: مهدی فیروزخانی

تصویرگر: مرتضی یزدانی

ناظر چاپ: حمید وکیل‌باشی

چاپ: تهران بدر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۲-۰۵۶-۶

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، خیابان منیریه، پلاک ۱۴۵

تلفن: ۶۶۴۹۸۳۲۶-۰۸۴۹-۶۶۴۱۰۸۴۹ دورنگار: ۶۶۹۶۳۵۶۷

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

## فهرست

<p>۱۳۸ ..... پادشاهی نوذر.....</p> <p>۱۵۵ ..... پادشاهی زوطهماسپ.....</p> <p>۱۵۶ ..... [پادشاهی گرشاسپ].....</p> <p>۱۶۳ ..... کیقباد.....</p> <p>پادشاهی کی کاووس و رفتن او به</p> <p>۱۶۹ ..... مازندران.....</p> <p>۱۹۷ ..... رزم کاووس با شاه هاموران.....</p> <p>۲۱۶ ..... سهراب.....</p> <p>۲۴۸ ..... ملحقات.....</p> <p>۲۵۵ ..... داستان سیاوش.....</p> <p>۳۶۷ ..... ملحقات.....</p> <p>۳۷۳ ..... کیخسرو.....</p> <p>[پادشاهی کیخسرو شصت سال بود] ۳۷۳</p> <p>۳۸۴ ..... [گفتار اندر داستان فرود سیاوش].....</p> <p>۴۲۲ ..... داستان کاموس کشانی.....</p> <p>۴۶۶ ..... داستان خاقان چین.....</p> <p>۵۰۸ ..... داستان اکوان دیو.....</p> <p>۵۱۴ ..... ملحقات.....</p> <p>۵۲۰ ..... [داستان بیژن و منیژه].....</p> <p>۵۵۸ ..... [داستان دوازده رخ].....</p> <p>۶۳۲ ..... [جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب].....</p>	<p>فهرست..... ۳.....</p> <p>آغاز کتاب..... ۱۵.....</p> <p>ستایش خرد..... ۱۵.....</p> <p>گفتار اندر آفرینش عالم..... ۱۶.....</p> <p>گفتار اندر آفرینش مردم..... ۱۷.....</p> <p>گفتار اندر آفرینش آفتاب..... ۱۷.....</p> <p>در آفرینش ماه..... ۱۷.....</p> <p>گفتار اندر ستایش پیغمبر..... ۱۸.....</p> <p>گفتار اندر فراهم آوردن کتاب..... ۱۹.....</p> <p>داستان دقیقی شاعر..... ۱۹.....</p> <p>بنیاد نهادن کتاب..... ۲۰.....</p> <p>[در داستان ابومنصور]..... ۲۰.....</p> <p>ستایش سلطان محمود..... ۲۱.....</p> <p>کیومرث..... ۲۲.....</p> <p>هوشنگ..... ۲۴.....</p> <p>طهمورث..... ۲۶.....</p> <p>جمشید..... ۲۷.....</p> <p>ضحاک..... ۳۳.....</p> <p>فریدون..... ۴۸.....</p> <p>منوچهر..... ۷۵.....</p> <p>ملحقات..... ۱۲۶.....</p>
--	---

شاه فرودنامه

۳



۱۰۶۰	پادشاهی شاپور سوم	۷۲۴	ملحقات
۱۰۶۱	پادشاهی بهرام شاپور	۷۲۷	پادشاهی لهراسپ
۱۰۶۲	پادشاهی یزدگرد بزه‌گر		پادشاهی گشتاسپ صد و بیست سال
۱۰۸۳	پادشاهی بهرام‌گور	۷۵۵	بود
۱۱۶۲	ملحقات	۷۵۵	سخن دقیقی
۱۱۶۵	[پادشاهی یزدگرد هجده سال بود]	۷۸۶	سخن فردوسی
۱۱۶۶	[پادشاهی هرمز یک سال بود]	۸۰۱	داستان هفتخوان اسفندیار
	[پادشاهی پیروز بیست و هفت سال	۸۲۷	داستان رستم و اسفندیار
۱۱۶۷	بود]	۸۷۹	داستان رستم و شغاد
	[پادشاهی بلاش پیروز چهار سال		پادشاهی بهمن اسفندیار صد و دوازده
۱۱۷۱	بود]	۸۹۰	سال بود
	[پادشاهی قباد چهل و سه سال		پادشاهی همای چهارزاد سی و دو سال
۱۱۷۶	بود]	۸۹۶	بود
۱۱۸۳	[داستان مزدک با قباد]	۹۰۵	پادشاهی داراب دوازده سال بود
	[پادشاهی کسری نوشین روان چهل و		پادشاهی دارای داراب چهارده سال
۱۱۸۸	هشت سال بود]	۹۱۰	بود
۱۲۰۹	[داستان نوش‌زاد با کسری]	۹۲۴	پادشاهی اسکندر
۱۲۱۷	[داستان بوزرجمهر]	۹۸۳	پادشاهی اشکانیان
۱۲۳۴	[داستان مهبود با زروان]	۱۰۰۷	پادشاهی اردشیر
۱۲۳۹	[ارزم خاقان چین با هیتالیان]		پادشاهی شاپور پسر اردشیر سی و یک
۱۲۶۶	[داستان در نهادن شطرنج]	۱۰۲۸	سال بود
۱۲۷۱	[داستان طلخند و گو]	۱۰۳۱	پادشاهی اورمزد
۱۲۸۷	[داستان کلیله و دمنه]	۱۰۳۴	پادشاهی بهرام اورمزد
۱۲۹۱	[داستان کسری با بوزرجمهر]		پادشاهی بهرام بهرام نوزده سال
۱۳۰۱	[نامه کسری بهرمزد]	۱۰۳۶	بود
۱۳۰۳	[سخن پرسیدن موبد از کسری]	۱۰۳۶	پادشاهی بهرام بهرامیان
	[وفات یافتن قیصر روم و رزم	۱۰۳۷	پادشاهی نرسی بهرام
۱۳۰۹	کسری]	۱۰۳۸	پادشاهی اورمزد نرسی
۱۳۲۰	[پادشاهی هرمزد دوازده سال بود]	۱۰۳۹	پادشاهی شاپور ذوالاکتاف
۱۳۲۱	[آغاز داستان]	۱۰۵۹	پادشاهی اردشیر نکوکار



۱۵۲۵ .....	پادشاهی پوران دخت	۱۳۷۶ .....	ملحقات
۱۵۲۶ .....	پادشاهی آرم دخت	۱۳۷۹ .....	پادشاهی خسرو پرویز
۱۵۲۶ .....	پادشاهی فرخزاد	۱۴۸۲ .....	گفتار اندر داستان خسرو و شیرین
۱۵۲۷ .....	پادشاهی یزدگرد	۱۵۰۴ .....	پادشاهی شیرویه
۱۵۵۳ .....	ملحقات	۱۵۲۲ .....	پادشاهی اردشیر شیروی
		۱۵۲۳ .....	پادشاهی فرابین

شاه فرودنامه

۵



## پیشگفتار

این پیشگفتار ملخص مقدمه مفصلی است به قلم دانشمند فقید ی. برتلس (وفات سال ۱۹۵۷) که متن انتقادی حاضر شاهنامه تحت نظروى تهیه شده است. اصل مقدمه در این مجلد به زبان روسی درج گردیده است.

چنانکه معلوم است، اولین متون کامل و علمی شاهنامه که در قرن گذشته به توسط ت. ماکان و ژ. مول انتشار یافته و در زمان انتشار از موفقیت‌های مهم به‌شمار می‌آمدند، پاره‌ای از خواست‌های اساسی متن انتقادی علمی را برآورده نمی‌ساختند. نه مول و نه ماکان در مقدمه‌های متن‌های انتقادی خود صراحتاً تذکار نداده‌اند که کدام نسخه‌ها را مورد استفاده قرار داده، کدام متن‌ها را مرجح دانسته و کدام شیوه انتقاد متن را بکار برده‌اند. هر دو ناشر، آنقدر که معلوم است، شماره زیادی از نسخه‌های نه‌چندان قدیمی شاهنامه را گرفته، آنها را با یکدیگر مقایسه نموده و متن اصلی را نسبتاً خودسرانه انتخاب نموده و واریانت‌های نسخه‌های دیگر را ابدأ ذکر نکرده‌اند. بدین شکل متن‌هایی بدست آمده است که قرائت آنها آسان ولی رابطه‌شان با متن اصلی اثر فردوسی نامعلوم است.

در اواخر قرن گذشته ا. وولرس چاپ دیگری از شاهنامه منتشر ساخت. وولرس چاپهای مول و ماکان را با هم مقایسه نموده، متن خود را بر پایه این دو چاپ قرار داد و تفاوت آنها را با دقت در پاورقی ذکر نمود. علاوه بر آنکه چاپ وولرس بواسطه فوت ناشر ناتمام ماند این چاپ نیز مسائل عمده‌ای را که بر عهده علم است، یعنی رجوع به قدیمی‌ترین، بهترین و معتبرترین نسخه‌های خطی و همچنین معرفی نسخه‌های مورد استفاده و ذکر دقیق نسخه‌بدلها، حل نمود.

هنگام جشن هزاره فردوسی چاپخانه «بروخیم»، متن ناتمام وولرس را تقریباً بدون تغییر چاپ نمود و ترتیب دادن بقیه آن را، که وولرس و شاگردش لاندائوور بدان توفیق نیافته بودند، به عهده سعید نفیسی گذاشت (ما این چاپ را با علامت شرطی T می‌نامیم). متن شاهنامه چاپخانه «خاور» که به مناسبت جشن هزاره فردوسی انتشار یافته و همچنین چاپ دبیرسیاقی که در این اواخر منتشر می‌گردد نیز هر دو اصولاً بر پایه متن‌های مول و ماکان قرار دارند.

شاه فردوسی

۷



دانشمندان جهان بارها درباره لزوم انتشار متن انتقادی جدیدی از این اثر پر عظمت، داهیان و دارای اهمیت جهانی، که متکی بر اصول علمی و قدیمی ترین و بهترین نسخ باشد، تذکار داده‌اند. انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی برای انتشار متن نوین علمی شاهنامه راه دیگری که باره متقدمین تفاوت دارد در پیش گرفت. استفاده از چاپهای قبلی که بر پایه نسخ خطی نامعلوم و بدون ذکر تاریخ قرار دارند (بجز در موارد استثنایی) بدون فایده تشخیص داده شد. هم چنین رجوع به شماره زیادی از نسخ خطی قرون مختلف که دارای اغلاط و اشتباهات و اضافات و تحریفات زیادند نیز غیر مفید بنظر رسید. در نتیجه چنین تصمیم گرفته شد که فقط از قدیمی ترین نسخه‌ها که تقریباً همزمان و از حیث متن به یکدیگر نزدیک باشند استفاده گردد.

ترتیب دهندگان متن برای کار خود از نسخ خطی زیرین استفاده نموده‌اند:

۱- نسخه خطی موزه بریتانیا، که در سال ۶۷۵ هجری کتابت شده، از کلیه نسخ خطی که تا بحال معلوم و مشهور است قدیمی تر و بنظر ما بهترین نسخه موجود است. (این نسخه در همه جا با علامت شرطی A نمایانده شده.)

۲- نسخه خطی کتابخانه عمومی لنینگراد که در سال ۷۳۳ هجری کتابت شده و دومین نسخه‌ایست که قدیمی تر از کلیه نسخه‌های مشهور است. (این نسخه در همه جا با علامت شرطی A نامیده شده.)

۳- نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی که در سال ۸۴۹ هجری کتابت شده ولی حاوی «مقدمه قدیم» شاهنامه است و بنابر این از روی نسخه‌ای قدیمی تر، که متن آن با متن نسخه سال ۷۳۲ بسیار نزدیک بوده است، استنساخ گردیده. (برای این نسخه علامت شرطی IV بکار برده می‌شود.)

۴- نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی، بدون تاریخ، ولی به حسب شیوه کتابت، جنس کاغذ و اسلوب مینیا تورها می‌توان قضاوت کرد که تقریباً در سال ۸۵۰ هجری استنساخ شده است. در این نسخه اشتباهات و اغلاط زیاد است، اما این نسخه نیز حاوی «مقدمه قدیم»، می‌باشد و از روی نسخه‌ای کتابت شده که در بعضی از موارد بسیار نزدیک به نسخه خطی سال ۶۷۵ هجری است. (برای این نسخه علامت شرطی VI بکار برده می‌شود.)

این چهار نسخه حاوی متنی است که قبل از تهیه نسخه خطی مشهور برای بای سنقر در سال ۸۳۳ هجری رواج داشته است. کلیه اطلاعات و نظریات راجع به «مقدمه قدیمی» و نسخه خطی سال ۸۳۳ هجری توسط ی. برتلس در مقدمه روسی

شاهنامه



این جلد شرح داده شده است.<sup>(۱)</sup> و نیز در همین مقدمه مختصات کلیه نسخ مورد استفاده مشروحاً ذکر گردیده است.

متن حاضر که بر پایه چهار نسخه نامبرده قرار دارد، با ترجمه عربی شاهنامه نیز که در سالهای ۶۱۵-۶۲۴ هجری توسط الفتح ابن علی البنداری الاصفهانی انجام یافته است مطابقت داده شده. (برای این ترجمه علامت شرطی B بکار برده می شود.) ولی از آنجا که این ترجمه در بسیاری از موارد از ترجمه دقیق متن صرف نظر نموده و به نقل مختصر واقعه قناعت ورزیده است، استفاده از آن برای ترتیب دادن متن حاضر با احتیاط فراوان همراه می باشد. از طرف دیگر بسیاری از جزئیات ترجمه بنداری برای ترتیب دادن این متن کمک گرانبهایی بوده. خصوصیات این ترجمه و شیوه استفاده از آن نیز توسط ی. برتلس در مقدمه روسی به تفصیل شرح داده شده است.

هیچ یک از نسخ مورد استفاده نمی توانست پایه متن حاضر قرار گیرد. بدین جهت برای ترتیب دهندگان متن لازم می آمد که متن اصلی را پس از مقایسه دقیق کلیه نسخه های مورد استفاده و با در نظر گرفتن دقیق کلیه اختلافات و تفاوت های آنها انتخاب نموده تفاوت ها را در پاورقی قید نمایند تا محققینی که بعداً درباره متن شاهنامه تتبع می نمایند امکان داشته باشند کلیه جزئیات کار ما را مورد بازرسی قرار دهند.

شاهنامه

۹



محک و معیار شیوه بیان و سبک و زبان شاهنامه در کار ترتیب دادن این متن با کمال احتیاط بکار برده شده است. زیرا مسئله این است که ما متن اصلی شاهنامه را در دست نداریم و فقط کوشش می کنیم تا هر قدر ممکن است بدان نزدیک تر شویم. زبان و سبک و شیوه بیان فردوسی را فقط می توان از متن اصلی شاهنامه بدست آورد. بنابراین اگر ما اکنون سخن و سبک و شیوه بیان فردوسی را عاملی شناخته شده بدانیم و بخواهیم بوسیله آنان طریق ترتیب دادن متن را معین سازیم دچار اشتباهی منطقی خواهیم شد. زیرا عامل مجهولی برای ما نقش معرف بازی خواهد کرد و یا به عبارت دیگر نامعلومی معرف نامعلوم دیگری خواهد بود. و همانا بهمین جهت فرهنگ ف. ولف که بر پایه چاپ های مول و ماکان، یعنی متون در هم آمیخته، و بر اساس نسخه های خطی قرون مختلف قرار گرفته، نیز در ترتیب دادن این متن از طرف ما با کمال احتیاط بکار برده شده است.

۱. برای دانستن خصوصیات نسخه بای سنقری، که میکروفیلم آن پس از وفات ی. برتلس از ایران دریافت گردیده و در ترتیب دادن متن حاضر بکار نخواهد رفت به نظریات مشروح کمیسیون نشر متن انتقادی شاهنامه در مقدمه روسی رجوع شود. کمیسیون نشر متن انتقادی شاهنامه از فرصت استفاده نموده مراتب امتنان خود را به آقای شجاع الدین شفا و آقای مهدی بیانی که میکروفیلم نسخه خطی بای سنقری را برای ما ارسال داشته اند تقدیم می دارد. (یادداشت کمیسیون)



بدین شکل، متن حاضر بطور کلی حاوی متنی است که از کلیه متون معلوم شاهنامه قدیمی تر است و مربوط به قرون هفتم و هشتم هجری می باشد، و هم چنین نسخه های هم عصر و هماهنگ این قرون را که تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته اند در دسترس دانش قرار می دهد. بی شک این متن از متن های درهم آمیخته چاپهای موجود و نسخ قرون پس از قرن نهم هجری به متن اصلی که پرداخته خامه فردوسی است نزدیک تر می باشد.

با وجود این، متن حاضر را بهیچوجه نمی توان متن «آخرین» و «متن اصلی» به شمار آورد<sup>(۳)</sup>. بلکه تتبع عمیق فیلولوژیک متن شاهنامه فقط آغاز می گردد. قبل از هر کار لازم است که منظره تغییر تاریخی ای که متن شاهنامه در جریان قرون متوالی بدان دچار گردیده است تثبیت گردد. ولی انجام یکباره این امر بواسطه وجود نسخه های خطی بی شمار بسیار دشوار است. ما در چاپ حاضر متنی مبنی بر قدیمی ترین نسخه ها را در دسترس خوانندگان و محققین قرار می دهیم. بر پایه این متن باید فرهنگی «کنکوردانس» نظیر فرهنگ ف. ولف تنظیم گردد. این فرهنگ بر پایه نسخ خطی ای که تاریخ کتابت آنها دقیقاً معلوم است قرار خواهد داشت و در آن ذکر خواهد شد که هر کلمه در کدام نسخه وجود دارد. چنین فرهنگی نظر ما را نسبت به لغاتی که فردوسی بکار برده است دقیق تر خواهد ساخت و امکان خواهد داد که با کمک مراجعه همه جانبه به متن از نو به تحقیق درباره شاهنامه پردازیم. و فقط پس از آن است که می توانیم مسئله متن نسبتاً «آخرین» شاهنامه را مطرح کنیم. برای این کار می توان همچنین از نسخ خطی دیگر<sup>(۴)</sup> شاهنامه و کتب قدیمی دیگری که حاوی بعضی از قسمت ها و ابیات اصیل شاهنامه باشند استفاده نمود، زیرا در این صورت چند محک و معیار برای سنجش اصالت آنها در دست خواهد بود. هم چنین می توان منابع مختلف دیگر مانند طبری، ثعالبی، بلعمی و غیره و نیز فرهنگها را مورد استفاده قرار داد و از تفسیر مشروح تمام متن شاهنامه و بکار بردن کلیه شیوه های انتقاد فیلولوژیک آغاز نمود.



۲. مخصوصاً باید تذکار داد که متأسفانه صفحات اول کلیه نسخه های مورد استفاده معیوب بودند و بدینجهت متن حاضر از آغاز کتاب تا پادشاهی کیومرث حاوی موارد مشکوک می باشد.

۳. در سال ۱۹۵۴ آقای سعید نفیسی نظر ی. برتلس را درباره وجود نسخه ای قدیمی و خوب شاهنامه در قاهره که در سال ۷۹۶ هجری کتابت شده جلب نمود. میکروفیلم این نسخه پس از وفات ی. برتلس دریافت گردید. متن این نسخه با نسخ دیگری که در چاپ حاضر مورد استفاده قرار گرفته است نزدیک می باشد. استفاده از این نسخه فقط از جلد چهارم چاپ حاضر شروع شده است. از آنجا که هنگام دریافت میکروفیلم نسخه قاهره مجلدات اول و دوم و سوم چاپ حاضر در چاپخانه بود، اختلافات بین متن نسخه قاهره و آن مجلدات در آینده در قسمت ملحقات داده خواهد شد. (یادداشت کمیسیون)

ولی این کار مربوط به آینده است. در حال حاضر ما قدیمی ترین متن شاهنامه را به خوانندگان عرضه می‌داریم و این نخستین مرحله تبع درباره متن این اثر است و پایه‌ای برای تبع بعدی آن. در اینجا باید اقرار کنیم که البته در متن حاضر کمبودهای زیاد و کار پرداخت نشده و صیقل نخورده راه یافته است. ولی ما از این آزمایش که با تمام وسایل متن حاضر را «بهرتر سازیم» و آن را «آسان خوانا» کنیم پرهیز نمودیم. زیرا این کار به مقصود ما که تبع پی‌گیرانه درباره متن است و همچنین به شیوه اساسی ما که تثبیت قدیمی ترین نسخ و قدیمی ترین ترتیب و تدوین متن می‌باشد خلل وارد می‌ساخت. در نتیجه چنین آزمایشی متن «آخرین» اثر فردوسی بوجود نمی‌آید و ارزش کار تنزل می‌یافت و چاپ متن به زمان نامعلومی محول می‌گشت.



در متن حاضر سیستم ذکر نسخه‌بدلها با سیستم‌های قبلی انتشارات غربی (مثلاً چاپ وولرس) مطابقت دارد. بعضی از مختصات این سیستم در مقدمه روسی بیان شده است. در همانجا نیز رسم الخط نسخ مورد استفاده ذکر گردیده است. در آغاز کار تمام متن این مجلد بر پایه نسخ I, IV, VI و ترجمه بنداری بوسیله ل. گوزلیان ترتیب داده شد. ولی بعداً شیوه استفاده از این ماتریل‌ها تغییر یافت. تصمیم چنین شد که نسخه‌بدلها کاملاً ذکر گردد و کلیه ابیاتی که در نسخه‌ها وجود دارند ولی مشکوک یا از ملحقات به نظر می‌آیند در متن بین دو هلال و یاد در آخر متن در ملحقات ثبت شوند. بدین ملاحظه متن ترتیب یافته به واسطه گوزلیان، بجز داستان منوچهر از بیت ۱ تا بیت ۱۲۳۸، که توسط او اسمیرنوا تصحیح شده است به توسط آ. برتلس مورد مطالعه و تصحیح قرار گرفت. آ. برتلس هم چنین متن ملحقات را ترتیب داده است.<sup>(۴)</sup>

### مقدمه کمیسیون نشر متن انتقادی شاهنامه فردوسی

بملاحظه وفات ی. برتلس، که متن حاضر تحت نظر او تهیه شده است اداره انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی کمیسیونی مرکب از ی. براگینسکی عضو پیوسته فرهنگستان علوم شوروی و ع. فردوس تشکیل داد و تهیه و انتشار مجلدات دیگر شاهنامه را به عهده آنها محول نمود.

هنگام وفات ی. برتلس جلد اول و دوم متن انتقادی شاهنامه در مرحله رد اکسیون

۴. پس از وفات ی. برتلس متن حاضر در موقع چاپ به نظر ع. فردوس رسیده و بعضی ملاحظات از طرف او داده شده است.



قرار داشتند، و نیز بعضی مسائل مربوط به ترتیب متن از طرف دانشمند فقید هنوز کاملاً حل نشده بود.

در اظهار نظرهای ی. برتلس مربوط به چاپ شاهنامه این جمله دیده می‌شود: «وقتی ترجمه بنداری فاقد ترجمه قطعه‌ای از شاهنامه است ولی این قطعه در کلیه نسخ خطی قدیمی وجود دارد و تفاوت و اختلاف آنها نیز چندان فاحش نیست، چنین قطعه‌ای را ترتیب‌دهندگان در متن نگه می‌دارند»<sup>(۵)</sup> وقتی کمیسیون جلد اول متن انتقادی حاضر شاهنامه را، که در مرحله چاپ بود، مورد مطالعه قرار داد به این مسئله برخورد که متن قطعاتی که به ملحقات برده شده (رجوع به ملحقات شماره IX-I، صفحات ۲۴۴-۲۵۸) بدون تفاوت و اختلاف اصولی در کلیه نسخ مورد استفاده وجود دارند و فقط ترجمه بنداری فاقد آنهاست. بنابر این به موجب اصلی که بر پایه انتشار این متن قرار گرفته و توسط ی. برتلس بیان شده و در پیش نقل گردیده است می‌بایستی این قطعات در متن بین دو هلال جای داده شوند، چنانکه در موارد نظیر عین این عمل اجرا شده است. با وجود این کمیسیون تصمیم گرفت این مجلد را به همان شکل که ی. برتلس به بنگاه انتشارات داد به چاپ برساند.

از این گذشته کمیسیون یادآور می‌شود که بنابر نظریه ی. برتلس که در آخرین اثر او «تاریخ ادبیات فارس - تاجیک» (رجوع به صفحه ۲۰۱ حاشیه ۴۶) دیده می‌شود، آخرین قطعه ملحقات که نه تنها در ترجمه بنداری بلکه در نسخه VI نیز وجود ندارد (رجوع به ملحقات شماره X، بیت ۱-۳۷ «کشتن رستم پیل سپید را») - گویا از ملحقات بعدی است. قطعه ملحقات X از بیت ۳۸ تا بیت ۱۷۷ («رفتن رستم بکوه سپید») نیز در ترجمه بنداری و نسخه VI وجود ندارد.

#### درباره فردوسی

کاخ رفیع و ارجمند ادب پارسی، بر ستون‌های سترگ که از دیرباز مایه افتخار ایران و ایرانی بوده و هستند، بنا شده است. شعر پارسی با تلاش و اهمیتانی که شکوه این زبان را از فرش به عرش رسانده‌اند، از چنان عظمتی برخوردار است که جهان با همه گستردگی ادبیات و هنر خود، در برابر ارجمندی بلامنازع شعر پارسی سر تعظیم فرود می‌آورد، آنگونه که در گزینش ده شاعر بزرگ جهان، پنج شاعر از ایران (فردوسی، خیام، سعدی، حافظ و مولوی) و پنج شاعر دیگر از کل جهان انتخاب

شاه فرودستان

۱۲



شده‌اند. در بنای این نظم کهن، دیرپا و استوار، نقش حکیم ابوالقاسم فردوسی با اثر یگانه‌اش شاهنامه، وصف ناشدنی است.

حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر حماسه سرای بزرگ ایران در سال ۳۲۹ یا ۳۳۰ هجری قمری در قریه فاز یا پاز طابران طوس به دنیا آمد. او از دهگانان طوس و از خاندان‌های قدیمی و اصیل آنجا بود. در آن روزگار، دهگانان تلاش می‌کردند در برابر ارزش‌های جدیدی که دین اسلام مطرح می‌کرد، سنت‌ها و آداب اجدادی خود را حفظ کنند و شاید بخش اعظم انگیزه فردوسی برای نظم شاهنامه از همین تمایل درونی و نژادی سرچشمه می‌گرفت.

فردوسی زندگی آسوده و مرفه‌ای داشت، اما به مرور زمان سرمایه خویش را صرف تصنیف شاهنامه کرد و در اثر کهولت و همچنین مشکلات کلی زندگی دهگانان به تدریج تنگدست شد و در اواخر عمر، کار به جایی رسید که تهیدستی او را به دریغ خوردن از ایام کامکاری واداشت و این نکته از جای جای شاهنامه مشهود است.

کسی نمی‌داند که فردوسی چگونه تحصیل کرد، اما کلام فاخر او گواهی متقن بر احاطه او بر ادب و زبان عرب و فلسفه و کلام روزگار خویش است. فردوسی به یقین از ادبیات و هنر یونان نیز آگاهی داشته چرا که شباهت‌های شاهنامه با اثر جاودانه غرب، ایلیاد هومر، تردیدناپذیر است، مخصوصاً، جایی که سخن از صحنه‌آرایی و مجالس بزم به میان می‌آید، نشانه‌آشنایی و تسلط عجیب فردوسی با ادبیات نمایشی یونان است.

آنگونه که از قراین بر می‌آید فردوسی پیوسته در شهر خویش اقامت داشته و جز یکی دوبار به سفر نرفته است. بر این نکته که می‌گویند شاهنامه را پس از اتمام به غزنین و نزد سلطان محمود برده است هر چند مدرکی قطعی وجود ندارد امام دلیلی هم برای رد آن در دست نیست. شخص فردوسی در شاهنامه اشاره‌ای به بردن شاهنامه به غزنین نکرده است.

فردوسی برای تنظیم شاهنامه، غراز روح وطن پرستی و عرق ملی متکی به افرادی چند نیز بوده است. این که می‌گویند شاهنامه را به دستور سلطان محمود نوشته قولی خلاف واقع است، زیرا هنگامی که فردوسی شروع به سرودن شاهنامه کرد، هنوز سلطان محمود به سلطنت نرسیده بود. از سوی دیگر، خوی و منش فردوسی حمایت خواستن از چون اویی را بر نمی‌تابد اما در هنگام اتمام شاهنامه و زمانی که تهیدستی عرصه را بر حکیم طوس تنگ می‌کند، احتمال آن است که شاعر آوازه‌دربار محمود غزنوی را شنیده و برای تأمین آسایش خود تصمیم به اهدای



شاهکار خود به پادشاه غزنوی گرفته باشد تا در این راستا سروده‌هایش نیز حامی قدرتمندی بیابند. هرچند سلطان محمود را توان درک چنین اثر عظیمی نبود و با رفتار نابخردانه خویش، روح پر غرور و با صلابت حماسه سرای بزرگ جهان را آزرده؛ احتمالاً گرایش فردوسی به مذهب شیعه در این بی‌توجهی بی‌تأثیر نبوده است. فردوسی نظم شاهنامه را در سال ۳۶۵ هجری قمری به سن سی و پنج سالگی آغاز کرد و پس از سی و پنج سال یعنی در هفتاد و یا هفتاد و یک سالگی به پایان رساند. مأخذ اصلی فردوسی در سرودن شاهنامه، شاهنامه منشور ابومنصوری که در اواسط قرن چهارم به فرمان ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی تدوین شد و علاوه بر روایات کتبی و شفاهی به دست فردوسی افتاد و او مجموعه آن را در شاهکار جاویدان خود به نظم کشید.

وزن شاهنامه بحر متقارب یعنی وزن حماسه‌های ایرانی است. فردوسی معانی دقیق و مطالب عالی فلسفی، اجتماعی و اخلاقی بسیاری را در داستان‌های شاهنامه آورده است. ابیات شاهنامه شصت هزار بیت بوده است که در نسخ مختلف به دلیل کسر و اضافه شدن ابیات، تعداد آنها با یکدیگر فرق دارد.

شاهنامه تاریخ و داستان‌های ایران باستان از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض حکومت ایران به دست اعراب و شامل سه دوره اساطیری (از عهد کیومرث تا ظهور فریدون)، دوره پهلوانی (از قیام کاوه تا قتل رستم) و دوره تاریخ (از اواخر کیانیان تا انقراض ساسانیان) است؛ که البته همین دوره تاریخی نیز با افسانه‌ها و داستان‌های حماسی درآمیخته است.

فردوسی در نقل روایات از مأخذ، با نهایت امانت نام برده است. او در وصف مناظر طبیعی، میدان‌های جنگی و خصایص پهلوانان نهایت استادی را به خرج داده و در داستان‌های عشقی - عر چند عناصر حماسی غالب هستند - جذابیت و لطف بی‌نظیری را به رشته نظم کشیده است. فردوسی در مقدمه شاهنامه و ابتدا و انتهای سرگذشت‌ها به پند و اندرز می‌پردازد. او در اثر بی‌نظیر خود لطف معانی، سادگی کلام، روشنی فکر و سخن و بلاغت را به چنان اوج رفیعی رسانده که دستیابی به آن تاکنون کسی را میسر نبوده است.

تاریخ مرگ فردوسی را در سال ۴۱۱ یا ۴۱۶ هجری قمری ذکر کرده‌اند.

شاهنامه

۱۴

